

ماجرا بساط تئاتر در تهران

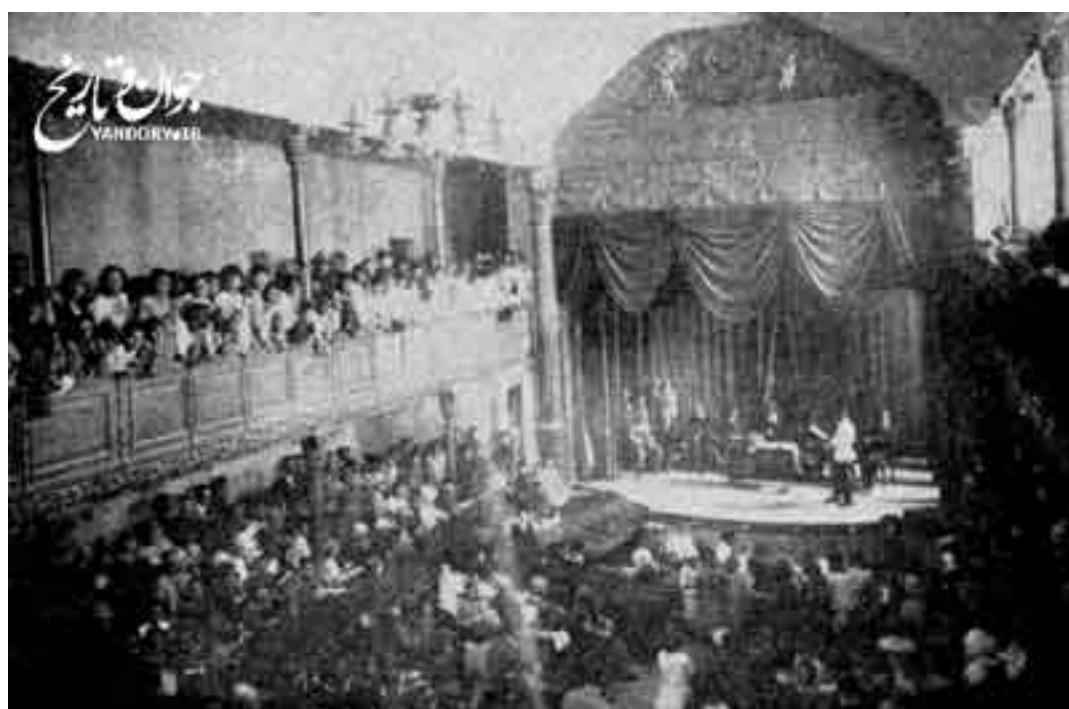
۵ خرداد ۱۳۹۵ ساعت ۱۵:۲۷

امشب هم در ساعت هشت از ظهر گذشته باید برویم تماشاخانه ... در ساعت هشت با امپریال پاپف و مجدالدوله توی کالسکه نشسته رانیدیم برای تماشاخانه ، عزیزالسلطان {ملیجک} را هم از جلو فرستادیم رفت تیاتر . این تماشاخانه را از قدیم در عده بسکویچ که حاکم اینجا بوده ساخته اند ، خوب تماشاخانه ای است ، سن خوبی دارد و پرده های خوبی دارد

جوان و تاریخ- کافه هنر

داستان از آنجا آغاز میشود که در ۳۰ رمضان ۱۳۰۶ قمری ناصرالدین شاه قاجار در روسیه می نویسد :

(امشب هم در ساعت هشت از ظهر گذشته باید برویم تماشاخانه ... در ساعت هشت با امپریال پاپف و مجدالدوله توی کالسکه نشسته رانیدیم برای تماشاخانه ، عزیزالسلطان {ملیجک} را هم از جلو فرستادیم رفت تیاتر . این تماشاخانه را از قدیم در عده بسکویچ که حاکم اینجا بوده ساخته اند ، خوب تماشاخانه ای است ، سن خوبی دارد و پرده های خوبی دارد)



و همین شد که شاه از فرنگ برگشته به محض رسیدن به تهران میل تئاتر فرمودند . او دستور داد دستی به سر و روی تالار دارالفنون بکشند و در آن نمایش اجرا کنند . بعضی هم می گویند اصلا بنای تکیه دولت برای همین گذاشته شد و شد ماجرای خنده دار تعزیه سلیمان و ملکه صبا که در قصه های قبلی ای که در سایت نقل کردیم هست و بعد هم یواشکی گاه گاهی در همان دارالفنون پرده هایی از مولیر اجرا شد که مردم معمولی ندیدند و نشناختند تا بعدتر یعنی وقتی بعد از جدایی دو آذربایجان بود که بازیگران ارمنی ایرانی از روسیه تیاتری را با خود به سرزمین آبا و اجدادی آوردند و طرفداران فراوانی یافت

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۲۱۸۰۹/تهران-تئاتر-بساط-ماجرای>